



# احساس بی‌پناهی راتحمیل نکنیم

مادران که دور هم می‌نشینند و گفت‌وگو می‌کنند، غالباً از دخترانشان در سن نوجوانی که از نظر تحصیلی دوره دوم متوسطه قلمداد می‌شود می‌گویند. معدل دختر شما چند شده است؟ دختر من چه مهارت‌هایی یاد گرفته است؟ مدرسه دخترتان چه امکاناتی دارد؟ برای کنکور دخترمان برنامه‌های ویژه‌ای داریم. در آن سوی ماجرا و در گفت‌وگوهای مادر دختری، اغلب محور گفت‌وگوها این است که دختر خانم فلانی شایستگی‌های بهتری از تو دارد. می‌دانستی دختر همسایه معدلش از تو بیشتر شده است؟ برای دختر دایی‌ات خواستگار دکتر آمده است. من به چی توافختار کنم؟ تو باید برای اینکه خواستگار خوب داشته باشی، با استانداردهای من زندگی کنی و....



دکتر مهتاب علی‌نژاد  
جامعه‌شناس

گفت‌وگوی بین مادران اغلب به شکل شنونده فعال انجام می‌شود. آنان درباره دخترانشان با هم صحبت می‌کنند اما گفت‌وگوی بین مادران و دختران در درصد چشمگیری به شکل مونولوگ است. یعنی چنانچه دختران نوجوان بیان کرده‌اند در بیشتر موارد مادران گوینده هستند و منتقد یا تشویق‌کننده و در موارد کمتری شنونده دخترانشان هستند و درباره آنچه شنیده‌اند اغلب واکنش مثبتی نشان نمی‌دهند زیرا بر این باورند که دختران آنان از پختگی و تجربه‌ی زندگی بی‌بهره‌اند و صرفاً از روی احساسات وارد تعامل با اطرافیان خود می‌شوند. شنونده فعال نبودن

برای دختران در سن نوجوانی از سوی خانواده به‌ویژه از سوی مادران که نقش مادری دارد، از مادران خود انتظار دارند، از مهم‌ترین انتظارات دختران از کانون خانواده است که برآورده نمی‌شود. یکی از موارد مهم، انتظار دختران درباره شنیده شدن علاقه تحصیلی و حق انتخاب رشته تحصیلی مورد علاقه‌شان است. دنیای دختران نوجوان دنیای چندان گسترده‌ای نیست. از آنجا که آنان در نوجوانی در حال گذار از وابستگی کودکی به استقلال جوانی هستند و هنوز تجربه کافی برای حضور کاملاً

## شهرزاد



الهام یوسفی  
نماد فرهنگی

## داستانی کوتاه و ساده برای تازه‌کارها

تا به حال فیلم‌هایی دیده‌ایم با این سوزۀ تکراری که ماشین یا ابزاری آدم‌ها را از زمانی به زمان دیگری می‌برد. گرچه این سوزۀ تکراری است، چندان دور از دسترس نیست. خوب که دقت کنید، این ابزار مدت‌هاست در اختیار بشر قرار گرفته است! تعجب می‌کنید؟! در حقیقت، ادبیات و داستان‌های خوب همیشه ابزار قدرتمندی برای سفر در زمان و مکان بوده‌اند. شما با خواندن رمان «بینوایان»، تجربه‌ای از زندگی در فرانسه قرن ۱۹ را کسب خواهید کرد یا «جنگ و صلح» شما را به روسیه قرون گذشته می‌برد. این در حالی است که در واقعیت، هیچ تور مسافرتی گران قیمت نمی‌تواند چنین کاری بکند!

داستان «شنل پاره» نیز ماشین زمانی است که مخاطب خود را به حاشیه شهر پترزبورگ و پاریس نیمه اول قرن بیستم می‌برد و او را در تجربه‌ای از زیستن با خانواده‌ای کوچک که در حومه شهر زندگی می‌کنند در میدان بسته‌ای از اندوه و رنج شریک می‌کند. داستان تقریباً شخصیت‌های اندکی دارد و این برای مخاطبی که در داستان‌های پرازدام آدم‌ها ممکن است گیج و منگ شود، شرایط مناسبی را برای برقراری ارتباط بیشتر با داستان فراهم

دلیلی است که دختران تصور کنند مادرانشان به دلیل زن بودن، می‌توانند محدودیت‌ها یا آرزوهایی را که آنان دارند درک کنند و در همدلی با آنان پیش‌قدم شوند یا دست‌کم سعی کنند شرایط آنان را مدنظر قرار دهند. این همان نقطه‌ای است که در گفت‌وگویی پژوهشی با دختران نوجوان از آن به عنوان نقطه احساس تنهایی و درک نشدن صحبت می‌کردند. مادرانی که قدرت درک آنان را ندارند یا تلاش نمی‌کنند گاهی زندگی را از دریچه نگاه و تجربه‌ی دختران نوجوان ببینند. اگرچه بی‌تجربه و احساسی بودن نوجوانان دلیل منطقی برای مادران است که نخواهند با صلاحدید خود برای آینده دختران شان برنامه‌ریزی نمایند اما واقعیت امر این است که دوره نوجوانی آن‌چنان که بزرگسالان تصور می‌کنند تپی از منطق، شناخت و عقلانیت نیست. بالغ بودن مادران اگرچه باید به عنوان عامل مثبتی در ارتباط گیری با نوجوانان دختر محسوب شود، بعضاً مادران در لحظه برقراری ارتباط از یاد می‌برند که از یک بالغ انتظار می‌رود در تعامل صبور، همدل و معقول عمل کند و بداند که اولین شرط موفقیت در تأثیرگذاری بر نوجوان محصورشده در تالامات بلوغ این است که به او اطمینان داده شود که درک می‌شود و می‌تواند اعتماد کند.

تعریف موفقیت در زندگی با تقلیل موفقیت در رشته تحصیلی مستأصل شده‌اند زمانی که می‌بینند مادران آنان نیز علاوه بر جامعه، آن‌ها را تحت فشار انتخاب رشته مورد پسند جامعه قرار می‌دهند احساس بی‌پناهی و فقدان حامی در برابر مشکلات اجتماعی را تجربه می‌کنند. مقبولیت رشته تجربی به دلیل جایگاه بالای اجتماعی پزشکان در جامعه ایرانی سبب شده است اکثریت مادران ایرانی با رؤیای پزشک شدن فرزندشان و کسب وجه اجتماعی برای خود به عنوان مادر خانم دکتر و از سوی دیگر تضمین مالی و اعتبار هویتی فرزند خود در آینده، نوجوان خود را تحت فشار انتخاب رشته تجربی قرار دهند. اگرچه از نظر مادران با توجه به شرایط اجتماعی و مقبولیت پزشکی، تصمیم آنان تصمیمی به‌اصطلاح پخته و ناشی از آگاهی و تجربه در برابر تصمیمات خام دختران نوجوان است، با تحت فشار قرار دادن نوجوان خود در صورتی که رشته دلخواه و علاقه‌مندی او در رشته پزشکی و تجربه خلاصه نشود، به افزایش فاصله میان خود و فرزندشان دامن زده‌اند. به طور معمول، تفاوت نسلی باعث شکاف ارتباطی میان مادران و دختران نوجوان است که سرعت تغییرات فناوری این شکاف ارتباطی را برای دختران نوجوان امروز به‌مراتب بسیار بیشتر از گذشته کرده است. حال تصور کنید پافشاری مادران برای تأثیرگذاری بر آینده دخترانشان تحت جو تبلیغات اجتماعی، این شکاف ارتباطی را تا چه اندازه عمیق خواهد کرد. احساس بی‌پناهی و بی‌پشتوانه بودن را به دختران نوجوان خود تحمیل نکنید.

## شکل پاره



می‌کند. داستان روایتی از دل‌بستگی و علاقه دختری به نام ساشا (که راوی داستان است) به خواهر بزرگ‌ترش است، ولی در حقیقت، داستان تنهایی تاریک و دردناک آدم‌هایی است که گناهانشان نیز معصومانه و ترجمه‌برانگیز است. آدم‌هایی که خود را در تغییر دادن شرایطشان ناتوان می‌بینند و از این رو، ناامیدی بر زندگی‌شان سایه افکنده است. ساشا قصه‌ای را روایت می‌کند که می‌توانید آن را هم اندوهگین بدانید و هم شاید عبرت‌آموز. این کتاب کوچک جمع‌وجور و خوش‌خوان را می‌توان به هر کسی که در ابتدای راه داستان‌خوانی است معرفی کرد. درباره نویسنده اثر هم بدانید که «نینا بر پروا»، نویسنده روس کتاب، زندگی پرماجری داشته، دختری از مادری روس و پدری ارمنی که به قول خودش تا آن زمان فقر را از خلال کتاب‌ها می‌شناخته و هیچ رابطه نزدیکی با زندگی فقیرانه نداشته است. خواندن زندگی‌نامه او در مقدمه کتاب به فهم داستان نیز کمک می‌کند. استثنائاً می‌توانید مقدمه کوتاه این کتاب

## شنل پاره

نویسنده: نینا پربروا

## ایراندخت



نقیسه زمانی  
پیش‌راندن پهن

## ازدواج‌کنایون و هویت پنهان گشتاسب

نگاهی کوتاه به زنان در شاهنامه



بعد از کی خسرو پادشاهی ایران به لهراسب رسید. لهراسب را پسری به نام گشتاسب بود که در زنده بودن پدر، هوای پادشاهی داشت و چون از پدر ناامید شد، رهسپار روم گردید. شوریده‌حال به روستایی رسید. کدخدا او را نزد خود برد. هم‌زمان در روم آیین جفت‌جویی کنایون، دختر قیصر، پادشاه روم، آغاز شده بود. رسم بر آن بود که مجلسی بپارایند و تمام جوانان برارزنده همسری دخت شاه را فراخوانند تا شاه‌دخت یکی را پسندد.

یکی بود مهتر کنایون به نام/خردمند و روشن‌دل و شادکام

کنایون قبل از مراسم در خواب جوانی ماه‌روی را به همسری خود دیده بود. روز مراسم چون کنایون پا در مجلس گذاشت کسی را به زیبایی جوانی که در خوابش دیده بود پیدا نکرد. مجلسی دیگر برپا شد و این‌بار فرمان دادند تا هرکه خواهد بیاید. کدخدا نیز به گشتاسب پیغام داد که به مجلس برود شاید حالش بهتر شود. وقتی گشتاسب به ایوان قصر رسید، در گوشه‌ای نشسته بود که چشم کنایون به او افتاد و خوابش تعبیر شد. خبر به گوش پدر رسید. او راضی نمی‌شد دامادی بی‌نام‌ونشان را بگیرد اما اسقف روم گفت که این رسم است و قیصر باید رضایت دهد اما پادشاه شرط کرد که هیچ مالی به کنایون نخواهد بخشید. گشتاسب هویت خودش را پنهان کرد و از کنایون پرسید: تو که در ناز و نعمت بزرگ شده‌ای، چرا می‌خواهی با جوانی بی‌نام‌ونشان چون من ازدواج کنی؟ کنایون پاسخ داد:

چو من با تو خرسند باشم به بخت/تو افسر چرا جویی و تاج و تخت  
کدخدا به آن دو خانه‌ای داد و کنایون نیز زیورآلاتش را فروخت تا اوزم دیگر را فراهم کند. گشتاسب نیز برای گذران زندگی به شکار می‌رفت.

از طرفی، برای دختر دوم قیصر خواستگاری آمد. قیصر نیز فرمود که دیگر به رسم نیاکانش داماد برمنی‌گریند و هرکس بتواند گرگ ازدهاسان را بکشد داماد او می‌شود. یکی از جوان‌ها که وصف زور بازوی گشتاسب را از ستاره‌شناسان شنیده بود فرستاده‌ای نزد گشتاسب فرستاد تا او را گوید که گرگ را بکشد و گشتاسب گرگ را کشت. اما خواستگار به قیصر گفت خود گرگ را کشته است. دو خواهر کنایون به این شیوه ازدواج کردند. روزی دامادها در میدان به چوگان‌بازی مشغول بودند. گشتاسب نیز مثل دیگر عوام نظاره‌گر بود که خود وارد بازی شد. قیصر که مهارت او را دید فراخواندش و نام و نشانش را خواست. گشتاسب پاسخ داد: من شوی کنایون و کشته گرگ و ازدها هستم. گشتاسب نام خود را فرخزاد گفته بود. قیصر به زور بازوی فرخزاد دل‌خوش شد و برای جنگ با دیگر بلاد جرئت گرفت. فرستاده‌ای نزد لهراسب فرستاد که اگر آنچه خواهیم ندهی به جنگ خواهیم آمد و به یاری فرخزاد پیروز خواهیم شد. لهراسب از فرستاده خواست تا بگوید فرخزاد شبیه چه کسی در دربار ایران است. او نیز گفت شبیه زریر، پسر لهراسب، است. لهراسب زریر را فرمان داد تا تاج و تخت لهراسب را به برود و گشتاسب را بر تخت شاهی نشاند. چون این کار انجام شد، قیصر از نژاد گشتاسب با خبر شد و خشنود گشت. کنایون را طبق رسم دربار، به خانه شوی در ایران رهسپار کرد.

## ۴



## شهربانو

۲۲ شهریور ۱۳۹۹  
۱۸ محرم ۱۴۴۲ شماره ۳۱۵

## بانوی دانشمند مشهدی

دکتر مریم‌متین مقدم تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتراراه ترتیب در رشته‌های ژنتیک سرطان و بیولوژی مولکولی در دانشگاه شفیلد انگلستان به اتمام رسانده و پس از انجام دوره پس‌دکتررا در سال ۱۳۸۳ به ایران بازگشت. او در سال ۹۷ به عنوان پژوهشگر برتر دانشگاه فردوسی مشهد هم‌چنین به عنوان فناوری برتر در دومین جشنواره علمی رضوی انتخاب شد.

